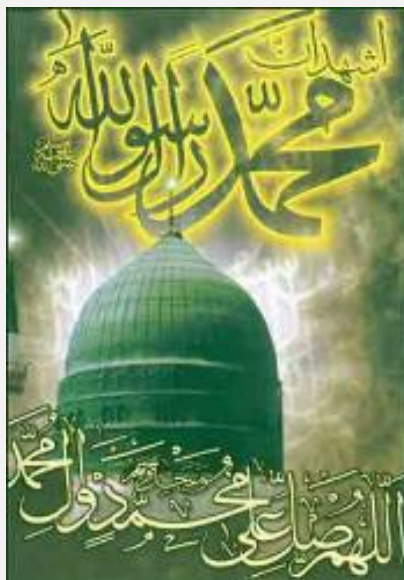


پیامبر اسلام (ص) از دیدگاه امام صادق(ع)



در طول تاریخ بشریت، کم تر انسانی وجود دارد که مانند پیامبر اسلام تمام خصوصیات زندگی اش به طور واضح و روشن بیان و ثبت شده باشد. خداوند متعال در قرآن کریم - کتابی که خود حافظ اوست(1) و بدون هیچ تغییری تا قیامت باقی است - با زیباترین عبارات و کامل ترین بیانات، آن حضرت را معرفی نموده و با عالی ترین صفات ستوده است.

خداوند متعال می فرماید: (انك لعلى خلق عظيم); (2) ای پیامبر! تو بر اخلاقی عظیم استوار هستی.

نیز می فرماید: (محمد رسول الله و الذين معه اشدوا على الكفار رحما بينهم). (3) محمد(ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و در میان خود مهربانند.

محققان، تاریخ نویسان و دانشمندان در ابعاد گوناگون زندگی حضرت محمد(ص) سخن گفته اند. اما ائمه (علیهم السلام) با نگاهی ژرف و دقیق سیمای آن شخصیت بی نظیر و دریکتای عالم خلقت را به تماشا نشستند، به معرفی زندگی، مبارزات و آموزه های آن حضرت پرداختند. در این نوشتار برآنیم تا گوشه هایی از زندگی و شخصیت حضرت محمد(ص) را از نگاه امام صادق(علیه السلام) به تماشا بنشینیم. تولد نور:

امام صادق(علیه السلام) به نقل از سلمان فارسی فرمود: پیامبر اکرم(ص) فرمود: خداوند متعال مرا از درخشندگی نور خودش آفرید (4)

نیز امام صادق(علیه السلام) فرمود: خداوند متعال خطاب به رسول اکرم(ص) فرمود: (ای محمد! قبل از این که آسمان ها، زمین، عرش و دریا را خلق کنم، نور تو و علی را آفریدم...). (5)

تفه الاسلام کلینی(ره) می نویسد: امام صادق(علیه السلام) فرمود: (هنگام ولادت حضرت رسول اکرم(ص) فاطمه بنت اسد نزد آمنه(مادر گرامی پیامبر) بود.

یکی از آن دویه دیگری گفت: آیا می بینی آنچه را من می بینم؟

دیگری گفت: چه می بینی؟

او گفت: این نور ساطع که ما بین مشرق و مغرب را فرا گرفته است!

در همین حال، ابوطالب(علیه السلام) وارد شد و به آن ها گفت: چرا در شگفتید؟ فاطمه بنت اسد ماجرا را به او گفت.

ابوطالب به او گفت: می خواهی بشارتی به تو بدهم؟

او گفت: آری.

ابو طالب گفت: از تو فرزندی به وجود خواهد آمد که وصی این نوزاد خواهد بود (6)

نامهای پیامبر:

کلبی، از نسب شناسان بزرگ عرب می گوید: امام صادق(علیه السلام) از من پرسید: در قرآن چند نام از نام های پیامبر خاتم(ص) ذکر شده است؟

گفتم: دو یا سه نام.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: ده نام از نام های پیامبر اکرم در قرآن آمده است: محمد، احمد، عبدالله، طه، یس، نون، زمزل، مدثر، رسول و ذکر.

سپس آن حضرت برای هراسمی آیه ای تلاوت فرمود. نیز فرمود: (ذکر) یکی از نام های محمد(ص) است وما (اهل بیت) (اهل ذکر) هستیم. کلبی! هر چه می خواهی از ما سوال کن.

کلبی می گوید: (از ابنت صادق آل محمد(ص) به خدا سوگند! تمام قرآن را فراموش کردم و يك حرف به یادم نیامد تا سوال کنم. (7)

برخی چهارصد نام و لقب پیامبر(ص) که در قرآن آمده است، را بر شمرده اند. (8)

عظمت نام محمد(ص)

جلوه نام محمد(ص) برای امام صادق(علیه السلام) به گونه ای بود که هر گاه نام مبارك حضرت محمد(ص) به میان می آمد، عظمت و کمال رسول خدا(ص) چنان در وی تاثیر می گذاشت، که رنگ چهره اش گاهی سبز و گاهی زرد می شد، به طوری که آن حضرت در آن حال، برای دوستان نیز نا آشنا می نمود. (9) امام صادق(علیه السلام) گاهی بعد از شنیدن نام پیامبر(ص) می فرمود: جانم به فدایش.

ابهارون می گوید: روزی به حضور امام صادق(علیه السلام) شرفیاب شدم. آن حضرت فرمود: ابهارون! چند روزی است که تو را ندیده ام.

عرض کردم: خداوند متعال به من پسری عطا فرمود.

آن حضرت فرمود: خدا او را برای تو مبارك گرداند چه نامی برای او انتخاب کرده ای؟

گفتم: او را محمد نامیده ام.

امام صادق(علیه السلام) تا نام محمد را شنید(به احترام آن حضرت) صورت مبارکش را به طرف زمین خم کرد , نزدیک بود گونه های مبارکش به زمین بخورد. آن حضرت زیر لب گفت: محمد, محمد, محمد. سپس فرمود: جان خودم, فرزندانم, پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا(ص) باد! و باز فرمود او را دشنام مده! کتک زن! بدی به او نرسان! بدان! در روی زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد, مگر این که آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود. (10)

سیمای محمد (ص):

امام جعفر صادق(علیه السلام) فرمود: امام حسن(علیه السلام) از دانی اش (هند بن ابی هاله) (11) که در توصیف چهره پیامبر(ص) مهارت داشت, در خواست نمود تا سیمای دل آرای خاتم پیامبران (ص) را برای وی توصیف نماید.

هند بن ابی هاله در پاسخ گفت: (رسول خدا (ص) در دیده ها با عظمت می نمود, در سینه ها مهابتش وجود داشت. قامتش رسا, مویش نه پیچیده و نه افتاده, رنگش سفید و روشن, پیشانیش گشاده, ابروانش پرمو و کماتنی, و ازهم گشاده, در وسط بینی برآمدگی داشت. ریشش انبوه, سیاهی چشمش شدید, گونه هایش نرم و کم گوشت. دندان هایش باریک و اندامش معتدل بود. آن حضرت هنگام راه رفتن با وقار حرکت می کرد. وقتی به چیزی توجه می کرد به طور عمیق به آن می نگریست. به مردم خیره نمی شد, به هر کس می رسید سلام می کرد, همواره هادی و راهنمای مردم بود. برای از دست دادن امور دنیایی خشمگین نمی شد. برای خدا چنان غضب می نمود که کسی او را نمی شناخت. اکثر خندیدن آن حضرت تبسم بود.

برترین مردم نزد وی کسی بود که, بیشتر مواسات و احسان و یاری مردم نماید... (12)

اوصاف پیامبر در تورات و انجیل:

خداوند متعال در وصف پیامبر(ص) فرمود: (الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون ابنائهم و ان فریقا منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون) (14) کسانی که کتاب آسمانی به آنان دادیم, او را همچون فرزندان خود می شناسند; (ولی) جمعی از آنان, حق را آگاهانه کتمان می کنند.

امام صادق(علیه السلام) فرمود: (یعرفونه کما یعرفون ابنائهم) زیرا خداوند متعال در تورات و انجیل و زبور, حضرت محمد(ص), مبعوث, مهاجرت, و اصحابش را چنین توصیف نمود: (محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم...) محمد (ص) فرستاده خداست; و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی, در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را طلبند. نشانه آن ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این, توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است... (15)

امام صادق(علیه السلام) فرمود: این, صفت رسول خدا(ص) و اصحابش در تورات و انجیل است. زمانی که خداوند پیامبر خاتم(ص) را به رسالت مبعوث نمود اهل کتاب (یهود و نصاری) او را شناختند اما نسبت به او کفر ورزیدند, همان گونه که خداوند متعال فرمود: (فلما جاءهم ما عرجوا کفروا به) (16) هنگامی که این پیامبر نزد آن ها آمد که (از قبل) او را شناخته بودند, به او کافر شدند. (17)

خداوند متعال در قرآن کریم, در وصف پیامبر(ص) می فرماید: (و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین) (18) ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم, و در جای دیگر نیز می فرماید: اشد علی الکفار رحماء بینهم...), در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. این دو چگونه با هم جمع می شوند؟

توجه به این آیه برای طرفداری اندیشه تسامح و تساهل ضروری است. آیا ممکن است کامل ترین انسان, که با کامل ترین کتاب آسمانی برای هدایت تمام جهانیان مبعوث گردیده است در مقابل دشمنان دین هیچ عکس العملی جز مهربانی نداشته باشد؟! برای اداره جامعه دینی و بقای آن باید در مقابل دشمنان دین ایستاد شدت عمل نسبت به کافران و مبارزه با آن ها برای از بین بردن موانع هدایت عین رحمت است.

برترین مخلوق:

حسین بن عبدالله می گوید: به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: آیا رسول خدا(ص) سرور فرزندان آدم بود؟

آن حضرت فرمود: قسم به خدا, او سرور همه مخلوقات خداوند بود. خدا هیچ مخلوقی را بهتر از محمد(ص) نیافرید. (19)

امام صادق(علیه السلام) در حدیث دیگری فرمود: چون رسول خدا(ص) را به معراج بردند جبرئیل تا مکانی با وی همراه بود و از آن به بعد او راهمراهی نمی کرد.

پیامبر(ص) فرمود: جبرئیل, در چنین حالی مرا تنها می گذاری؟! جبرئیل گفت: تو برو. سوگند به خدا در جایی قدم گذاشته ای که هیچ بشری قدم نگذاشته و بیش از تو بشری به آن جا راه نیافته است. (20)

معمر بن راشد می گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که فرمود: يك نفر یهودی خدمت رسول خدا(ص) رسید و به دقت او را نگریست.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: ای یهودی! چه حاجتی داری؟ یهودی گفت: آیا تو برتری یا موسی بن عمران; آن پیامبری که خدا با او تکلم کرد و تورات و انجیل را بر او نازل نمود, و به وسیله عصایش دریا را برای او شکافت و به وسیله ابر بر او سایه افکند؟

پیامبر(ص) فرمود: خوش آیند نیست که بنده خود ستایی کند و لکن (در جوابت) می گویم که حضرت آدم(علیه السلام) وقتی خواست از خطای خود توبه کند, گفت:

(اللهم انی اسالك بحق محمد و آل محمد لما غفرت لی) خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که مرا عفو نمایی. خداوند نیز توبه اش را پذیرفت. حضرت

نوح(علیه السلام) وقتی از غرق شدن در دریا ترسید گفت: (اللهم انی اسالك بحق محمد و آل محمد لما انجیتنی من الغرق); خدایا به حق محمد و آل محمد از تو در خواست می کنم. مرا از غرق شدن نجات بدهی. خداوند نیز او را نجات داد. حضرت ابراهیم(علیه السلام) در داخل آتش گفت: (اللهم انی اسالك بحق محمد و آل محمد

لما انجیتنی منها); خدایا! به حق محمد و آل محمد از تومی خواهم که مرا از آتش نجات دهی. خداوند نیز آتش را برای او سرد و گوارا نمود. حضرت موسی(علیه السلام) وقتی عصایش را به زمین انداخت و در خود احساس ترس نمود گفت: (اللهم انی اسالك بحق محمد و آل محمد لما امتنتنی); خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو در

خواست می نمایم که مرا ایمن گردانی. خداوند متعال به او فرمود: (لاتخف انک انت الاعلی) (21) ترس. مسلما تو برتری.

ای یهودی, اگر موسی(علیه السلام) امروز حضور داشت و مرا درک می کرد و به من و نبوت من ایمان نمآورد. ایمان و نبوتش هیچ نفعی به حال او نداشت. ای یهودی! از ذریه من شخصی ظهور خواهد کرد به نام مهدی(علیه السلام) که زمان خروجش عیسی بن مریم برای یاری او فرود مآید و پشت سر او نماز می خواند. (22)

سیاستمداری پیامبر(ص):

دز عرف جهانی امروز (سیاست) را به معنای نیرنگ و دروغ برای کسب قدرت و سلطه بر مردم تعریف می کنند, اما (سیاست) در لغت, به معنای (اداره کردن امور مملکت و حکومت کردن است). خداوند متعال پیامبر خاتم (ص) جانشینان بر حق او, ائمه معصومین (علیهم السلام) را از بهترین سیاستمداران شمرده است در زیارت جامعه, در وصف ائمه (علیهم السلام) که پرورش یافتگان مکتب نبوتند, آمده است: (وساسه العباد).

فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که به بعضی از اصحاب قیس ماصر فرمود: خداوند - عزوجل - پیغمبرش را تربیت کرد و نیکو تربیت فرمود.

چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: (انك لعلى خلق عظیم); تو بر اخلاق عظیمی استواری. سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا سیاست و اداره بندگان را به عهده بگیرد، سپس فرمود: (ما اتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا) (23) آنچه را رسول خدا برای شما آورد، بگیرید، (و اجرا کنید) و آنچه نهی کرد، خود داری نماید.

رسول خدا(ص) استوار، موفق و موید به روح القدس بود و نسبت به سیاست و تدبیر خلق هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت و به آداب خدا تربیت شده بود،... . زهد و وارستگی

حضرت محمد(ص) هرگز نسبت به دنیا و لذایذ زودگذر آن میلی نشان نداد و به آن، توجهی نکرد. آن حضرت برای هدایت مردم و رساندن آن ها به سعادت دنیا و آخرت وارد عرصه سیاست شد.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: روزی رسول خدا(ص) در حالی که محزون بود، از منزل خارج شد فرشته ای بر او نازل شد، در حالی که کلید گنج های زمین را به همراه داشت. فرشته گفت: ای محمد(ص)، این کلیدهای گنج های زمین است. پروردگارت می فرماید: این کلیدها را بگیر و در گنج های زمین را باز کن و آنچه می خواهی از آن استفاده نما. بدون این که نزد من ذره ای از آن ها کم شود.

پیامبر(ص) فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه (واقعی) ندارد. کسانی دور آن جمع می شوند که عقل ندارند.

فرشته گفت: به آن خدایی که تو راه حق مبعوث نمود! وقتی در آسمان چهارم کلیدها را تحویل می گرفتم، همین سخن را از فرشته دیگری شنیدم.

این سنن می گوید: امام صادق(علیه السلام) فرمود: مردی نزد پیامبر(ص) آمد، در حالی که آن حضرت روی حصیری نشسته بود که زیری آن بر بدن آن حضرت اثر گذاشته بود، و بر بالشی از لیف خرما تکیه نموده بود، که برگونه های گلگونه اش نفوذ کرده بود. آن مرد درحالی که جاهای اثر کرده را مسح می نمود، گفت: کسری و قیصر (پادشاهان ایران و روم) هرگز چنین راضی نمی شوند و بر حریر و دیبا می خوابند و تو (که سرور مخلوقات خدایی) بر این حصیر!

پیامبر(ص) فرمود: به خدا من از آن ها برتر و گرامی تر هستم. من کجا و دنیا کجا! مثال زودگذر بودن دنیا، مثال شخصی است که بر درختی سایه دار عبور می کند، لحظه هایی از سایه درخت استفاده می کند و وقتی سایه تمام شد، از آن جا کوچ می کند و درخت را رها می کند.

هیچ زمینه ای از زندگی پیامبر(ص) نیست، مگر این که امام صادق(علیه السلام) در آن زمینه سخنانی با ارزش دارد. به عنوان حسن ختام، به ذکر خطبه ای از آن حضرت در توصیف پیامبر(ص) اکتفا می کنیم.

خطبه امام صادق (علیه السلام) در وصف حضرت محمد (ص)

بردباری، وقار و مهربانی خدا سبب شد تا گناهان بزرگ و کارهای زشت مردم مانع نشود که دوست ترین و شریف ترین پیغمبرانش، یعنی محمد بن عبدالله(ص) را برای مردم بر گزینند.

محمد بن عبدالله(ص) در حریم عزت تولد یافت، در خاندان شرافت اقامت گزید، حسب و نسبش آلوده نگشت، صفاتش را دانشمندان بیان کردند و حکیمان در وصفش اندیشه نمودند، او پاکدامنی بی نظیر، هاشمی نسبی بی مانند و بی ماندگی از اهل مکه بود. حیا صفت او بود و سخاوت طبیعتش، بر متانت ها و اخلاق نبوت سرشته شده بود. اوصاف خویشتن دارهای رسالت بر او مهر شده بود تا آن گاه که مقدرات و قضا و قدر الهی عمر او را به پایان رسانید و حکم حتمی پروردگار او را به سرانجامش منتهی ساخت.

هر امتی، امت پس از خود را به آمدنیش مزده داد. نسل به نسل از حضرت آدم تا پدر بزرگوارش، عبدالله، هر پدری او را به پدر دیگر تحویل داد اصل و نسبش به ناپاکی آمیخته نشد و ولادت او با ازدواج نا مشروع پلید نگشت. ولادتش در بهترین طایفه، گرامی ترین نواده (بنی هاشم)، شریف ترین قبیله (فاطمه مخزومیه) و محفوظترین شکم باردار (آمنه دختر وهب) و امانت دارترین دامن بود.

خدا او را برگزید، پسنید و انتخاب کرد سپس کلیدهای دانش و سر چشمه های حکمت را به او داد. او را مبعوث نمود تا رحمت بر بندگان و بهار جهانیان باشد. خداوند کتابی را بر او نازل کرد، که بیان و توضیح هر چیزی در آن است و آن را به لغت عربی، بدون هیچ انحرافی قرار داد، به امید این که مردم پرهیزکار شوند. آن را برای مردم بیان کرد و معارف آن را روشن ساخت و با آن، دینش را آشکار ساخت و واجباتی را لازم شمرد و حدودی را برای مردم وضع نمود و بیان کرد. آن ها را برای مردم آشکار نمود و آن ها را آگاه ساخت. آن حضرت در آن امور، راهنمایی به سوی نجات و نشانه های هدایت به سوی خدا می باشد. رسول خدا(ص) رسالتش را تبلیغ کرد، مأموریتش را آشکار ساخت، بارهای سنگین نبوت را که به عهده گرفته بود، به منزل رسانید و به خاطر پرورگارش صبر کرد و در راهش جهاد نمود. با برنامه ها و انگیزه هایی که برای مردم پی ریزی نمود و مناره هایی که نشانه های آن را بر افراشت، برای امتش خیر خواهی کرد، و آن ها را به سوی نجات و رستگاری فرا خواند و به یاد خدا تشویق و به راه هدایت دلالت کرد، تا مردم پس از او گمراه نشوند.

آن حضرت نسبت به مردم دلسوز و مهربان بود.

پی نوشتها:

(1) حجر، آیه 9. (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون)

(2) قلم، آیه 4.

(3) فتح، آیه 29.

(4) مصباح الشریعه، ترجمه زین العابدین کاظمی، ص 126. (خلقنی الله من صفوه نوره. ..)

(5) جلا العیون، ص 11.

(6) همان، ص 36.

(7) بحار الانوار، ج 16، ص 101.

(8) مناقب، ج 1، ص 150.

(9) سفینه البحار، ج 1، ص 433.

(10) بحار الانوار، ج 17، ص 30.

(11) هند بن ابی هاله، فرزند حضرت خدیجه(س) از شوهر قبلی اش بود که در خانه پیامبر اسلام رشد و نمو نمود.

(12) بحار الانوار، ج 16، ص 148 - 147.

(13) کلیات سعدی، فصل طبیات، ص 533 - 532.

(14) بقره، آیه 146.

(15) فتح، آیه 29.

(16) بقره، آیه 89.

(17) تفسیر نور الثقلین، ج 1، ص 138 و ج 5، ص 77.

(18) انبیاء، آیه 107.

(19) اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج 2، ص 325.

(20) همان، ص 321.

مطالعات شیعه شناسی